

پاسخ به اشکالی که خدا نا باوران می‌تراشند

خدای رحیم مطلق چرا با آتش عذاب می‌کند؟

به انضمام: جزئیاتی در مورد بهشت و جهنم

گردآوری و تنظیم

حسین ابوده

خرداد ۱۳۹۹

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۲..... خدای رحیم مطلق چرا با آتش عذاب می‌کند؟
- ۷..... جزئیاتی از بهشت و جهنم
- ۸..... معنی بهشت و جهنم
- ۹..... جزئیات بهشت و جهنم و سختی درکشان
- ۱۲..... جزئیاتی در مورد بهشت «حور العین .. قصرها»
- ۱۷..... بهشتیان و اهل جهنم باهم زندگی می‌کنند
- ۱۸..... جزئیاتی در مورد جهنم و نحوه‌ی عذاب
- ۲۱..... منابع

جهت کسب اطلاع بیشتر به وبسایت انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

## خدای رحیم مطلق چرا با آتش عذاب می‌کند؟

مهدی اول علیه السلام در پاسخ به این اشکال فرمودند:

پیش از هر چیز باید به این نکته توجه داشت که مالک حقیقی، امکان ندارد که به سبب تصرف در ملک و دارایی‌های خودش، ظالم شمرده شود و در نتیجه عذاب یا آتش جهنم هیچ تعارضی با مفهوم عدل ندارد.

بله ممکن است به سبب فهم غلط از معنای عذاب یا آتش، کسی اشکال بگیرد که این امر با رحمت خداوند تعارض دارد، یا اشکال بگیرد که این امر پوچ و بی‌فایده و نوعی بازی است، چون هیچ حکمت و رحمتی در این نیست که خداوند نخست بندگان را بیافریند و سپس آن‌ها را عذاب دهد؛ پس مقتضای حکمت و رحمتش این بود که اساساً آن‌ها را از اول نیافریند.

### پاسخ اشکال

عذاب یا آتش جهنم چیزی جز پرده‌برداری از حقایق دنیوی برای کسانی که این زندگی دنیا را انتخاب کرده و به آن دل بسته شدند، نیست. پس این امر «عذاب و جهنم» چیزی فراتر از این نیست که به شخصی همان چیزی را که برای خودش خواسته «ماندن و خلود در این زندگی دنیا» به او اعطا کنیم، اما همراه با کشف از حقیقت انتخاب و اختیارش. در نتیجه این همان عدل و رحمت و احسان است، چون او زندگی دنیا را اختیار کرد و خداوند نیز آن چه که او خواسته و اختیار کرده را به او اعطا کرد. کجای این کار ظلم یا قساوت در حق کسی است؟

خدای متعالی فرمود:

﴿لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ (۱)

«مگریزید. به ناز و تنعم و خانه‌های خویش بازگردید تا بازخواست گردید»

﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«از تو طلب شتاب عذاب می‌کنند، درحالی که جهنم هم‌اکنون محیط بر کافران است»

﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنِ سَبِيلِ﴾<sup>(۲)</sup>

«بگو آیا شمارا از کسانی که کیفرشان نزد خدا بدتر است، خبر دهم؟ کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده و طاغوت را پرستیدند؛ ایشان هستند که جایگاه و منزلتشان بدتر و از راه راست گمراه‌ترند»

این همان حقیقت است؛ خداوند به هر انسانی شاه‌کلیدی عطا کرده که همه درها را باز می‌کند و انسانیتش را ثابت می‌کند؛ لذا می‌تواند باهمین شاه‌کلید همه‌ی درها را یکی پس از دیگری باز کند تا از نوری به نور عظیم‌تری منتقل شود تا به مواجهه با نور مطلق که هیچ ظلمتی در آن نیست برسد؛ و همچنین می‌تواند به‌آسانی همان کلید را به زمین بیندازد و به حیوانیت خود برگردد و به چیزی برگردد که همسان میمون و بوزینه شود، همچنان که در آیه قرآن تصریح شده: ﴿وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ﴾

هیچ ظلمی در ساحت خداوند نیست؛ پس آتش همان دنیایی است که انتخابش کردند و طالب ماندن در آن شدند. فقط به زودی پرده از چشم آن‌ها برداشته می‌شود تا حقیقت آن را بیابند که با اعمال و ظلم و فسادشان روشن و گداخته شده است و عقرب‌های حسادت‌شان و اندیشه‌های وحشی و جرائم و حقایق حیوانی بهیمان‌شان، آن را پرکرده

است که به زودی بر آنها به شکل روشنی ظاهر می‌شود و همدیگر را به وسیله‌ی همان حقایق خبیث هنگامی که پرده برداشته می‌شود عذاب می‌دهند. ظلم و ستمی در ساحت خداوند راه ندارد؛ هر که طالب ماندن در دنیا شود به زودی به آرزویش می‌رسد و همان‌جا که دوست داشته می‌ماند؛ فقط پرده از جلوی چشمان او برداشته می‌شود تا حقایق را آن‌گونه که هستند، ببیند:

﴿لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ (۱)

«مگریزید. به ناز و تنعم و خانه‌های خویش بازگردید تا بازخواست گردید»

خداوند در همه‌چیز عادل است؛ بلکه او اهل احسان و کرامت است تا حدی که نمی‌توانیم کرامت و احسانش را بفهمیم و این‌گونه نیست که فقط عادل باشد. برای همین او هیچ کسی را آزار و عذاب نمی‌دهد، بلکه شدیدترین عقوبتش این است که اختیار و انتخاب خود انسان را به او بدهد که البته معمولاً هلاکت ابدی انسان در همان است.

بنابراین معنی آیه: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً

خَاسِيَةً﴾ (۲)

و همچنین فرموده خداوند: ﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَاناً وَ أَضَلُّ عَنِ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ (۳)

و همچنین: ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِيَةً﴾ (۴)

یعنی این‌که آن‌ها خودشان شاه‌کلیدها را از دستشان انداختند و روح انسانی خود را که خداوند در پدرشان آدم عليه السلام دمیده و آن‌ها را تشویق به تحصیل آن کرده بود به زمین

۱ - الأنبياء ۱۳

۲ - البقرة ۶۵

۳ - المائدة ۶۰

۴ - الأعراف ۱۶۶

## ۶ ..... خدای رحیم مطلق چرا با آتش عذاب می‌کند؟

انداختند و چیزی برایشان جز روح حیوانی باقی نماند؛ پس به همان اصل طبیعی خودشان، یعنی حیوانات و بهائمی که هرگز هیچ سخنی را نمی‌فهمند، برگشتند.

و چه بسا در این جا اشکالی مطرح شود به این شرح:

این انسان نسبت به حقیقتِ انتخابِ خودش جاهل است و در نتیجه در معرض فریب قرار می‌گیرد، یعنی نمی‌داند که حقیقتی پنهان پشت این صورت ظاهری که انسان در دنیا می‌بیند وجود دارد و نمی‌داند که این حقایق بسیار زشت هستند و زندگی در آن‌ها همراه با دیدن و احساس آن‌ها به صورت عذابی بزرگ خواهد بود که قابل تحمل نیست. لذا او اگر این نتیجه را می‌دانست، هرگز چنین انتخابی نمی‌کرد.

این اشکال مبتنی بر این پایه است که انسان هیچ علمی به نتیجه‌ی انتخاب و اختیارش ندارد؛ به همین خاطر این اشکال وارد نیست. بله اگر خداوند او را به حقیقتِ انتخاب و اختیارش خبر نداده بود، شاید این اشکال وارد می‌شد، اما خداوند او را خبر و هشدار داده بود. (۱)

## جزئیاتی از بهشت و جهنم

جهان آخرت عالم دیگری است و ما از جزئیات آن عالم آگاهی کاملی نداریم و علم و دانش ما، منحصر به اخبار روایت شده از فرستادگان الهی ﷺ است.

در دقت به اخبار وارد شده از آنان ﷺ متوجه چنین مواردی می‌شویم که نه جسممان در آن جهان مادی است و نه در بهشت خیری از قصرها، عسل و خوراکی‌های مادی است و نه جهنم آتش و میله‌های داغ و مار دارد! بلکه این تعریفاتی که از جهان آخرت وارد شده صرف مثال است، به این علت که ما از جهان آخرت کاملاً بی‌اطلاعییم پس قادر به درک جزئیات مربوط به آن عالم نخواهیم بود.

برای مثال؛ اگر بخواهی به یک بچه نابالغ از رابطه‌ی جنسی و لذت آن بگویی، از خود آمیزش به او نمی‌گویی چرا که درک نمی‌کند! لذا برای رساندن منظور به وی، سعی می‌کنی از ابزار و آلاتی که مورد استفاده‌ی بچه‌ها قرار دارد استفاده کنی، پس این عبارات را به کار خواهی برد؛ لذت آمیزش مانند کاکائو، شکلات و بستنی می‌ماند و بسیار خوشمزه‌تر! با اینکه مزه کاکائو و شکلات با لذت رابطه جنسی قابل مقایسه نیست لکن مجبور شدی ابزار مورد علاقه بچه‌ها را مثال استفاده کنی. چنین مثالی بسیار منطقی تر است تا اینکه خود رابطه جنسی و جزئیاتش را به بچه بفهمانی.

لذا چنانچه فرستادگان خداوند در مورد بهشت و جهنم سخنی به میان آورند: حورعین، نهرهای عسل و در تعریف جهنم آتش را مورد مثال قرار می‌دهند و اینگونه خلاصه کرده و از دیگر مشخصات آن عالم و نحوه جزاء و کیفر دهی در آن و جزئیاتش می‌گذرند.

در ادامه به تفاوت‌های دو عالم دنیا و آخرت می‌پردازیم.

## معنی بهشت و جهنم

واژه‌ی بهشت:

بهشت ترجمه‌ی واژه‌ی عربی «الجنة» است.. ابن منظور در شرح واژه‌ی الجنة می‌نویسد:

والجنة: الحديقة ذات الشجر والنخل، وجمعها جنان، وفيها تخصيص، ويقال للنخل وغيرها. وقال أبو علي في التذكرة: لا تكون الجنة في كلام العرب إلا وفيها نخل وعنب، فإن لم يكن فيها ذلك وكانت ذات شجر فهي حديقة وليست بجنة، وقد ورد ذكر الجنة في القرآن العزيز والحديث الكريم في غير موضع<sup>(۱)</sup>.

بهشت: باغی که دارای نخل و درختانی باشد، و جمع آن بهشت‌ها، و مشخصات مخصوصی دارد، گویند مربوط به نخل و غیر از آن است. و ابو علی در کتاب «التذكرة» می‌گوید: بهشت در زبان عربی نباشد مگر اینکه حاوی نخل و انگور باشد، اگر اینها نباشد و درختان دیگری را حاوی باشد پس آن باغ است نه بهشت، و بهشت در قرآن خداوند عزیز و در حدیث نیز در مواضعی یاد شده است.

واژه‌ی جهنم

ابن منظور در شرح واژه‌ی جهنم می‌نویسد:

جهنم: الجهنم: القعر البعيد. وبئر جهنم و جهنم، بكسر الجيم والهاء: بعيدة القعر، وبه سميت جهنم لبعدها... قال يونس بن حبيب وأكثر النحويين: جهنم اسم النار التي يعذب الله بها في الآخرة، وهي أعجمية لا تجرى للتعريف والعجمة، وقال آخرون: جهنم عربي سميت نار الآخرة لها لبعدها<sup>(۲)</sup>.

۱ - لسان العرب- ابن منظور ج ۱۳ ص ۱۰۰

۲ - لسان العرب- ابن منظور ج ۱۲ ص ۱۱۲



جهنم: جهنم؛ به معنی گود عمیق. و چاه جهنم و جهنم، با کسر «ج» و «ه»: خیلی عمیق، و جهنم به سبب عمقی گودش، بدان نامیده شد.. یونس ابن حبیب و بیشتر اهل نحو گفتند: جهنم نام آتشی است که خداوند در آخرت با آن کیفر می‌دهد، و آن أعجمی [غیر عربی] است و به تعریف نمی‌آید. و بعضی گفتند: جهنم عربی است و آتش آخرت به عمقی گودش به آن نامیده شد.

### جزئیات بهشت و جهنم و سختی درکشان

جهان آخرت جهان دیگری است و ما از جزئیات آن آگاهی کاملی نداریم و علم و دانش ما، منحصر به نصوصی است که توسط فرستادگان الهی عرضه شده. شاید در ملاحظه به پاره سخنی «حدیثی» که از فرستادگان پیشین علیهم السلام وارد می‌شود، چنین تصور کنیم که توضیح شفافی ارائه نشده است! یا اینکه آنان علیهم السلام حقایق را مخفی نگاه داشتند. و چه بسا این پنهان کاری به این علت است که پیامبران علیهم السلام با مردم، به میزان عقلشان سخن می‌گویند.<sup>(۱)</sup> همان طور که مهدی اول علیه السلام می‌فرمایند: «چنین نیست که هرچه دانسته شود، گفته می‌شود و هرچه گفته شود مخاطبش حاضر است و هرچه مخاطبش حضور یافت وقتش فرا رسید<sup>(۲)</sup>». لذا آنان علیهم السلام بر چندین وجه سخن می‌گویند.<sup>(۳)</sup> و هم‌عصران خویش را و هم آیندگان را مورد خطاب قرار می‌دهند.

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم). ما جامعه پیامبران، مأموریت داریم که با مردم به قدر عقلشان سخن بگوییم». الکافی ج ۱ ص ۲۳

۲ - متشابهات ج ۲ سؤال ۶۲

۳ - از عبدالغفار جازی، از ابو عبد الله صادق علیه السلام فرمود: (إني لأتکلم علی سبعین وجها لی فی کلها المخرج). «همانا من بر هفتاد وجه سخن می‌گویم و در هر وجهی راه خروجی دارم». بصائر الدرجات ۳۴۸ و از محمد ابن مسلم، از ابو عبد الله صادق علیه السلام فرمود: (انا لتتکلم بالکلمة بها سبعون وجها لنا من کلها المخرج). «یک کلمه سخن ما، هفتاد وجه دارد و در هر وجهی راه خروجی داریم». بصائر الدرجات ۳۴۹

## ۱۰ ..... خدای رحیم مطلق چرا با آتش عذاب می کند؟

برای مثال: درباره‌ی امتحان اول ما، در عالم ذر<sup>(۱)</sup> چنین وارد شده؛ «در عالم ذر، خداوند از همه‌ی بنی آدم پیمان گرفت و به آنان گفت: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی»

۱ - عالم ذر: ذر برگرفته از «ذرات» به عربی گفته می‌شود «الفلّاح یذر الحَب» «کشاورز دانه‌ها را پخش می‌کند» یعنی عالمی که خداوند مخلوقاتش را همگی و یک جا پخش کرد. ما انسانها، ابتدا در آن عالم ذر آفریده شدیم و امتحان پس داده‌ایم. از عبد الله ابن سنان گوید؛ از ابی عبد الله صادق علیه السلام پرسیدم: منظور از فطرت در آیه‌ی «فَطَرَتَ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» «فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است» چیست؟ فرمود: اسلام است که خداوند سرشت همه را بر آن قرار داده، در آن روزی که از همه پیمان بر توحید گرفت، و فرمود: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» «آیا من پروردگار شما نیستم؟» در حالی که هم مؤمن وجود داشت و هم کافر). تفسیر البرهان ج ۲ ص ۶۰۷

حسین ابن نعیم صحاف گوید؛ از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ» «بعضی از شما کافر و بعضی مؤمن اند» پرسیدم، حضرت فرمود: خداوند ایمان آنها را به ولایت ما و کفر آنها را به ترک ولایت ما شناخت، در آن روزی که از آنها پیمان گرفت در حالی که در عالم ذر و از نژاد آدم بودند). تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۷۱

امتحان با آتش صورت گرفت، خداوند آتشی را قرار داد و به مخلوقاتش دستور داد که درون آتش روند، به آنها فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ پس اگر هستم فرماندار باشید. پس عده‌ای اطاعت فرمان کرده و بعضی سرپیچی کردند. نظیر آیه‌ی «فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» «چون به آتش رسید، ندایش دادند که برکت داده شده، آن که درون آتش است و آن که در کنار آن است. و منزه است خدای یکتا، آن پروردگار جهانیان». [النمل ۸] آن‌گاه کسانی که در امتحان شکست خوردند از خداوند پوزش طلبیدند و از او خواستند که با امتحان دیگری آنها را بیازماید، سپس آن کسانی که در امتحان رستگار شده بودند از خدا خواستند که متنی کرده و از شکست خورده‌ها امتحانی دوباره گرفته شود. پس خداوند به خاطر درخواست رستگاران که نزد او بسیار عزیزند، پذیرفت. و چنین مقرر کرد که عالم دیگری بیافریند و همه‌ی مخلوقات - حتی رستگاران - را به آن عالم (دنیا) بفرستد و امتحان دومی پس دهند. پس این دفعه همه را یک جا امتحان نمی‌کند، بلکه دسته دسته آنها را به دنیا می‌آورد و متولد می‌شوند. و از همه مهمتر؛ عالم ذر را و آنچه بر آنها گذشته است را از یادشان می‌برد.

زراره گوید؛ از امام ابی عبد الله صادق علیه السلام درباره‌ی تفسیر آیه‌ی «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» پرسیدم، حضرت فرمود: معرفت در دل‌های آنها قرار گرفت، ولی موقف خویش را در برابر پروردگار فراموش کردند، و روزی به خاطرشان خواهد آمد، و اگر این نبود کسی نمی‌دانست خالق و رازق او کیست). تفسیر البرهان ج ۲ ص ۶۱۰

در مواقعی برای هر کسی پیش می‌آید؛ اینکه به منظره‌ای خیره می‌شوی و چنان تصور می‌کنی که مشاهده‌ی این منظره و جزئیات آن برایت تکرار شده! یا اینکه خوابی ببینی و تصور می‌کنی که قبلاً چنین خوابی دیده‌ای! یا اینکه کسی را ببینی یا صدای کسی را بشنوی که تصور می‌کنی آشناست.. این صحنه‌ها در عالم ذر بر ما گذشته و همان جا مشاهده نموده‌ایم.

جهت کسب اطلاع بیشتر، مراجعه شود به بیان روشنگر مهدی اول علیه السلام در کتاب؛ متشابهات ج ۲ سؤال ۶۳ و کتاب؛ در محضر بنده‌ی صالح ج ۱ ص ۹۷. (کتابها را از وبسایت انصار امام مهدی علیه السلام که در ابتدای این کتاب قرار دارد تهیه کنید).

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾<sup>(۱)</sup> «و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانسان را بیرون آورد. و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. تا در روز قیامت نگویند که ما از آن بی‌خبر بودیم.»

ملاحظه؛ عالم ذر و جزئیات زندگی در آن، تنها با صرف چند کلمه یاد می‌شود! در حالی که ما در عالم ذر مدتها زندگی کردیم!

و چنانچه فردایی به امتحان سوم در عالم رجعت<sup>(۲)</sup> درآییم، طبق قانون پروردگار سبحان، زندگی امروزمان (امتحان دومان) را از یاد خواهیم برد - خداوند آن را از خاطرم پاک می‌کند تا امتحان نوینی بی‌انجامد - پس حتماً کنجکاو شده و در مورد آن از اربابمان<sup>(۳)</sup> - در عالم رجعت - خواهیم پرسید، و او ممکن است در پاسخمان گوید: «شما پیش از این، در جهانی به نام دنیا بودید و امتحان شما پذیرفتن نماینده‌ی خداوند بوده» تنها با صرف چند کلمه، درحالی که ما در این عالم مدتها و در شرایط خوب و بدی زندگی کردیم.

#### ۱ - الأعراف ۱۷۲

۲ - عالم رجعت یعنی عالم بازگشت، عالمی است که بعضی‌ها جهت پس دادن امتحانی سوم به آن عالم فرستاده می‌شوند. از مفضل گوید: ابی عبد الله علیه السلام در مورد فرموده خداوند ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ «روزی که از هر ملتی دسته‌ای از آنان را گرد می‌آوریم» فرمود: از مؤمنان هیچ کسی کشته نشد مگر این که بازگردد آن‌گاه می‌میرد، و باز نمی‌گردند جز کسانی که خالصانه ایمان آوردند و کسانی که کفر محض داشتند). تفسیر القمی ج ۲ ص ۱۳۱

مهدی اول علیه السلام فرمود: (در رجعت صالحان را به صلاحشان پاداش دهد و ظالمان را به ظلمشان کیفر فرماید؛ همان‌طور که از ائمه علیهم السلام روایت شده «آن کسی که ایمان خالص داشته باشد و آن کسی که کفر محض داشته باشد». بنابراین هر ظالمی پیمان‌اش را دریافت می‌کند و هر صالح و نیکوکاری نیز پیمان‌اش را می‌گیرد).

پس منزلت و اخلاص این صالحان عیان می‌شود و کفر محض آن کافران ثابت می‌گردد. با این وجود باز هم از خداوند تقاضای فرصت می‌کنند؛ ﴿قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاَحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾ «می‌گویند: پروردگارا، ما را دوبار میرانیدی و دوبار زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم. آیا خارج شدن را راهی هست؟» [غافر ۱۱] .. جهت کسب اطلاع بیشتر درباره‌ی قضیه‌ی رجعت، مراجعه شود به کتاب: رجعت - اثر مهدی اول علیه السلام.

۳ - (رجعت امتحانی دیگر است، و تنظیم و ترتیب افرادی که رجعت می‌کنند به دست خداوند سبحان و بلند مرتبه است. پس ممکن است فردی به همراه همان حجت الهی [که در این عالم امام زمانش بوده] بازگردد و می‌تواند همراه حجتی دیگر بازگردد). [مهدی اول علیه السلام - کتاب رجعت]. کتاب رجعت را از وبسایت انصار امام مهدی علیه السلام که در ابتدای این کتاب قرار دارد تهیه کنید.

پس چنانچه فرستادگان خدا در مورد بهشت و جهنم سخنی به میان آورند این گونه خلاصه کرده و از دیگر مشخصات آن می گذرند و شاید فقط پاره‌هایی از مختصات آنها را بازگو کنند. چراکه درک جزئیات جهانی که تابحال ندیده‌ایم بر ما سخت و گران خواهد بود. مانند این می ماند که به شخصی که مادرزائی نابینا متولد شده و هیچ گاه به این دنیا چشم نگشوده در مورد نوعیت رنگها بگویی! باید ابتدا به او بفهمانی که رنگ چیست، سپس فرق بین سفید و سیاه و.. الی آخر. پس پرداختن به این گونه جزئیاتی و شفاف‌سازیشان بر آموزگار سخت بود و دانشجو نیز نهایتاً هنگ می کند و درک نخواهد کرد.

### جزئیاتی در مورد بهشت «حور العین .. قصرها»

روح ما در جسدی مادی دمیده شده، لذا مادامی که در این جهان هستیم تنها همراه با این جسد می توانیم زندگی کنیم، جسدی که نیازمند مادیات است مانند؛ غذا، خواب، آمیزش و استراحت و غیره.. پس برای بقای دراز مدت در این جهان باید از جسممان محافظ کنیم که زندگی بدون آن فناست. و پس از مرگ، روح ما از جسد جدا شده و به جهانی دیگر منتقل و به جسدی دیگر متصل می شود، «جسدی مثالی»<sup>(۱)</sup> که ملازم آن عالم است و با جزئیات آن عالم سازگار است.

در این جهان چون با جسدی مادی همراه هستیم به خوراکیهای مادی نیازمندیم و از بدیهیات مادیات این است که بعد از تناول چیزی، حتما و باید چیزی پس داده شود. لکن در بهشت؛ از آن جایی که جهان دیگری است و خصوصیات خود را دارد، با جسدی ملازم آن عالم وارد می شویم و با خوراکیهای مربوط به آن عالم تغذیه می شویم و خوراکیهای بهشتی خوراکیهایی مادی مانند سیب و انگور و عسل و غیره... نیستند که پس از تناولشان فضولاتی از بدن خارج می شود! این خوراکیها وابسته به این جسد و این عالم است و ما از عالم مادیات و جسممان جدا شده‌ایم.

۱ - مثالی یعنی شفاف و کم رنگ، یا نامرئی.. جهت کسب اطلاع بیشتر مراجعه شود به علوم مهدی اول علیه السلام در کتاب؛ عقاید اسلام، قسمت؛ از تو درباره‌ی روح می پرسند. و کتاب؛ متشابهات ج ۱ سؤال ۳

آنجا خوراک‌ها معنوی<sup>(۱)</sup> هستند شاید با خواندن دعا یا اعمالی از این قبیل تقذیه می‌شویم، و خدا داناتر است.

تعریفات دینی که درباره‌ی بهشت وارد شده صرف مثال است و حقیقت را حکایت نمی‌کند. برای مثال؛ اگر بخواهی برای یک بچه از رابطه‌ی جنسی و لذت آن بگویی، از خود آمیزش به او نمی‌گویی چرا که درک نخواهد کرد. بنابراین؛ برای رساندن منظور به وی، سعی می‌کنی از ابزار و آلاتی که مورد استفاده‌ی بچه‌ها قرار دارد استفاده کنی. پس این عبارات را به کار خواهی برد؛ لذت آمیزش مانند کاکائو و شکلات می‌ماند و خیلی خوشمزه‌تر!

بدین سان خداوند و فرستادگان الهی برای رساندن منظور و باز کردن فضای بهشت، سعی می‌کنند؛ دوست داشتنی‌ترین و محبوبترین چیزی که نزد ما است - مانند آمیزش، عسل، قصر- را برای مثال زدن استفاده کنند، که در حقیقت چیزی از این قبیل وجود ندارد، بلکه فراتر از اینهاست.

مهدی اول در تعریف جزئیاتی از بهشت می‌فرماید:

عالم آخرت، عالم مادی نیست تا اینکه آمیزش جنسی و نوشیدن و خوردن مادی، در آن با مفهومی که در این زندگی جسمانی متوجه می‌شویم وجود داشته باشد، این مسائل رمزگونه است و در قرآن بسیاری از مسائل رمزگونه است، که این مسأله را قبلاً بیان کردم؛ سخن خداوند، مانند سخن مردم نیست؛ و زمانی که سخن از عوالم بالایی است - همان‌طور که حال قرآن [چنین] است - کاملاً انبوه از رمزهاست، مانند رمزهای ملکوتی؛ و به همین خاطر است که روایات، نسبت به اجتناب ورود در قرآن، بدون آگاهی و علم، تشویق کرده است؛ و به همین خاطر است که خداوند سبحان، با زبان پیامبرش، همراه قرآن را قرار داده [و بازگو کرده] است که همان آل محمد ﷺ هستند؛ پس رسول خدا

۱ - یعنی محتوایی غیر مادی، مثل محتوای داخل گوشی یا فلش، اگر محتوایی مانند عکس، کلیپ، کتاب و نرم افزارهای گوناگونی به فلش منتقل شود، وزن مادی آن تغییر نمی‌کند، چون محتوایی که به آن افزوده یا از آن گرفته شده معنوی هستند.

محمد ﷺ، نص و تصریح کرده‌اند که ثقلین را برجای گذاشته است، که همان قرآن و عترتند<sup>(۱)</sup>.

و نیز می‌فرماید:

نفس‌ها نیز متمایز هستند؛ ولی این تمایز با تمایز جنسی - که تکامل بیولوژیکی روی این زمین پدید آورده است - متفاوت است. بنابراین نفس مؤنث و نفس مذکر وجود دارد ولی این به همان معنای جنسی [متعارف] نیست، و [خصوصیتی است که] تنها با عالم نفس‌ها متناسب است. و بهره‌مندی و سعادت که برای نفس‌ها از ارتباطشان با یکدیگر محقق می‌شود بسیار بیشتر از بهره‌ی جنسی یا هرگونه بهره‌مندی و سعادت است که در این عالم، در نتیجه‌ی ارتباط [جنس] مذکر و مؤنث به دست می‌آید.

بنابراین تمایز نفسانی مهم است؛ چراکه سببی است برای سعادت و خوشبختی انسان در عوالم دیگر، و حتی در این عالم نیز می‌توان برخی آثار آن را لمس نمود. می‌توان این تفاوت را - هرچند تا حدودی - از طریق درک تفاوت بزرگ میان بهره‌مندی و سعادت‌مندی زوجی که ارتباط جنسی، خانوادگی و فرزندان، آن دو را به یکدیگر پیوند داده، و سعادت‌مندی زوج دیگری که عاطفه و محبت آن دو را به یکدیگر پیوند داده است، تصور نمود<sup>(۲)</sup>.

---

۱ - مهدی اول العلیه صفحه فیسبوک - ژوئن ۲۰۱۸ «در پاسخی به کامنت»

[https://m.facebook.com/story.php?story\\_fbid=1659196630794660&id=457397004307968](https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=1659196630794660&id=457397004307968)

۲ - مهدی اول العلیه صفحه فیسبوک - مارس ۲۰۱۹

[https://m.facebook.com/story.php?story\\_fbid=2003079943072992&id=457397004307968](https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=2003079943072992&id=457397004307968)

و در مورد دوزخیان نیز می‌فرماید:

مرده می‌تواند در عالم برزخ با اذن و اجازه‌ی خداوند، زندگان و سایر مردگان را ملاقات کند. آنها در آنجا می‌خورند و می‌آشامند، اما متناسب با عالمی که به آن وارد شده‌اند و همین‌طور اعمال پیشینشان. مؤمنان متوفی از خیراتی که مؤمنان زنده در زندگانی دنیوی برای آنها انجام می‌دهند بهره‌مند می‌گردند<sup>(۱)</sup>.

بهشت در نصوص دینی طوری معرفی شده که نمی‌توانیم با این جسدمان به آن درآییم، مانند حدیثی که از رسول خدا ﷺ آمده: «خواب برادرِ مرگ است، و بهشتیان نمی‌میرند»<sup>(۲)</sup> طبیعتاً که این جسدمان نیازمند خواب است، پس رسول خدا از یک جسم و عالمی سخن می‌گوید که خواب نمی‌شناسد. آل محمد ﷺ در مواضعی دیگر، تفاوت جزئیات بهشت با این جهان را در داشتن صدها همسر معرفی می‌کنند.

در حدیثی از رسول خدا ﷺ آمده است که فرمودند: هر مؤمنی که وارد بهشت شود خداوند پانصد حوری به او می‌دهند که با هر حوری هفتاد غلام و هفتاد کنیز همراه است که هر یک مانند لؤلؤ منشور و لؤلؤ مکنون می‌باشند<sup>(۳)</sup>.

از رسول خدا ﷺ نیز که فرمودند: در بهشت، کمترین پاداش شهیدان داشتن دوازده هزار زن از حور العین و چهار هزار دوشیزه و دوازده هزار غیر باکره که هر زنی توسط هفتاد هزار کنیز خدمت می‌شوند...<sup>(۴)</sup>.

۱ - مهدی اول التعلیقات کتاب؛ پاسخ‌های روشنگرانه ج ۲ سؤال ۸۶

۲ - (النوم أخو الموت ولا يموت أهل الجنة). كنز العمال ج ۱۴ ص ۴۷۵. الدر المنثور ج ۶ ص ۳۴

نظیر آیهی: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ﴾ «اوست که شما را شب‌هنگام می‌میراند» الانعام ۶۰

۳ - (وما من أحد يدخل الجنة إلا كان له من الأزواج خمسمائة حوراء، مع كل حوراء سبعون غلاما وسبعون جارية كأنهن اللؤلؤ المنثور). مجلسی بحار الانوار ج ۸ ص ۲۱۴

۴ - (ان أدنى أهل الجنة منزلة من الشهداء من له اثنا عشر الف زوجة من الحور العین وأربعة آلاف بكر واثنا عشر الف ثيب تخدم كل زوجة منهن سبعون الف خادم..). الزهد - للحسين بن سعيد الكوفی الأهوازی ۱۰۱ - ۱۰۲

و از ابو عبد الله صادق عليه السلام : کسی که سوره‌ی الزمر را بخواند و آرام تلاوت کند، در بهشت هزار شهر برایش بنا شود در هر شهری هزار قصر که در هر قصری صد حوری باشد..<sup>(۱)</sup>.

ابو عبد الله صادق عليه السلام : اگر حوری از حواری بهشت به اهل دنیا رو کند و زُلفی از زلف‌های پیشانی‌اش را آشکار گردد، همه را به فتنه بیندازد..<sup>(۲)</sup>.

رسول خدا صلى الله عليه وآله : خداوند حور العین را همراه با درختان بهشت آفرید، و آنها را تشنه‌ی شوهرانشان - که در دنیا هستند - قرار داد، بر هر حوری هفتاد جامه است، و سپیدی ساق پایشان از پشت هفتاد جامه دیده می‌شود مانند شربت قرمزی که در لیوان شیشه‌ای سفید عیان است<sup>(۳)</sup>.

اینگونه مشخصات، تفاوت در جزئیات دو عالم را حکایت می‌کند. در غیر این صورت، یک مرد در رسیدگی به هزاران زن قادر نیست. بنابراین - و آن گونه که پیش‌تر عرض شد - جسم زن بهشتی، اندامش، نحوه‌ی نکاح و دیگر مختصات آن با این عالم کاملاً متفاوت است، جزئیات آنها و تلذذ به شیوه‌ای است که یک مرد می‌تواند همزمان از وجود هزاران زن لذت ببرد.

ما با جزئیات کامل آن جهان آشنا نیستیم و تنها به اثبات تفاوتش با این جهان می‌پردازیم. پس همکنون رازهایی پشت پرده نهفته است.

---

۱ - (من قرأ سورة الزمر واستخفها من لسانه يبنى له في الجنة ألف مدينة، في كل مدينة ألف قصر، في كل قصر مائة حوراء..). بحار الانوار ج ۸ ص ۱۹۱ - ۱۹۲

۲ - (لو أن حورا من حور الجنة أشرفت على أهل الدنيا وأبدت ذؤابة من ذوائبها [لا فتن] لا متن أهل الدنيا..). الزهد - للحسين بن سعيد الكوفي الأهوازي ۱۰۲

۳ - (أن الحور العين خلقهن الله في الجنة مع شجرها، وحبسهن على أزواجهن في الدنيا، على كل واحدة منهن سبعون حلة، يرى بياض سوقهن من وراء الحلل السبعين كما ترى الشراب الأحمر في الزجاج البضاء). بحار الانوار ج ۸ ص ۲۱۳



## بهشتیان و اهل جهنم باهم زندگی می‌کنند

باری تعالی فرمودند: ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«بهشتیان اهل جهنم را آواز دهند که ما به حقیقت یافتیم آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود، آیا شما نیز به حقیقت یافته‌اید آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود؟ گویند: آری. آنگاه آوازدهنده‌ای در آن میان آواز دهد که لعنت خدا بر کافران باد»

و فرمودند: ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

«اهل آتش بهشتیان را آواز دهند که اندکی آب یا از چیزهایی که خدا به شما ارزانی کرده است بر ما فرو ریزید. گویند: خدا آنها را بر کافران حرام کرده است»

ظاهر این دو آیه حاکی از چنین است که اهل بهشت و جهنم باهمدیگر ملاقات و گفتگو دارند و در حدیث آمده است: «اهل جهنم عذاب آتش را کتمان می‌دارند تا به شماتت بهشتیان دچار نشوند»<sup>(۳)</sup> یعنی اهل جهنم مدام با بهشتیان رفت و آمد دارند، و خدا داناتر است.

۱ - الأعراف ۴۴

۲ - الأعراف ۵۰

۳ - (أن أهل جهنم يكتمون عذاب النار حذراً من شماتة أهل الجنة). قصص الانبياء - الجزائرى ۲۰۴

## جزئیاتی در مورد جهنم و نحوه‌ی عذاب

یکی از صفت‌های خداوند «ستار» «پوشش دهنده» است، لذا در کیفر دهی گناه کاران لطفی می‌کند و کیفر دادن را پوشش می‌دهد. در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «از خدا خواستم که حساب امت مرا به من واگذارد تا پیش امت‌های دیگر رسوا نشود، پس خدای عز و جل به من وحی کرد، ای محمد نه، بلکه من حسابشان را می‌رسم و اگر گناهی از آنها سر زده از تو پوشیده می‌دارم که پیش تو نیز رسوا نشوند»<sup>(۱)</sup>.

با توجه به اینکه اهل جهنم و بهشت کنار همدیگر زندگی می‌کنند،<sup>(۲)</sup> پس خداوند نحوه‌ی عذاب را درونی قرار می‌دهد. برای مثال؛ بهشتی می‌تواند راحت غذا بخورد ولی جهنمی از ناحیه‌ی دندان درد دارد و در غذا خوردن رنج می‌برد<sup>(۳)</sup> و عذاب خود را از دیگران کتمان می‌کند<sup>(۴)</sup>. یا اینکه بهشتی راحت می‌خوابد لکن جهنمی از ناحیه‌ی سر درد، رنج می‌برد. و.. این چنین.

۱ - (سألت الله أن يجعل حساب أمتي إلي لئلا تفتضح عند الأمم، فأوحى الله إلي: يا محمد! بل أنا أحاسبهم فإن كان منهم زلة سترتها عنك لئلا تفتضح عندك). كنز العمال ج ۱۴ ص ۳۶۹

۲ - همه یکسان نیستند، شاید حال و وضع بعضی‌ها بدتر یا بهتر باشد و همچنین دوزخیان، منزلت هر کسی بنا به پرونده‌ی اعمالش است. مهدی اول عليه السلام درباره‌ی دوزخیان چنین می‌فرماید: «مردم به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و هر صنف و گروه، دوزخ خود را دارد. وضعیت انبیا و اوصیا و اولیای خداوند متعال همانند بقیه‌ی مؤمنینی که گناهانی از آنها سر زده است، نمی‌باشد. همچنین وضعیت سایر کافران مانند پیشوایان کفر و فساد؛ مثل نمرود که با پیامبر خدا حضرت ابراهیم عليه السلام به نبرد برخاست و فرعون که با پیامبر خدا حضرت موسی عليه السلام جنگید و مانند حانیا و قیافا، علمای بی عمل یهود که با پیامبر خدا حضرت عیسی عليه السلام مبارزه کردند، نخواهد بود). پاسخ‌های روشنگرانه ج ۲ سؤال ۸۶

۳ - این صرف مثال است و حقیقت نیست، پیش از این توضیح دادیم که خوراکی‌های آن جهان با این جهان متفاوتند و مادی نیستند که برای تناولشان به دندان نیاز باشد. جسم‌ها در آن جهان مثالی «شفاف» هستند و با غذایی غیر مادی تغذیه می‌شوند، و ممکن است جسم‌ها در آن جهان دندان نداشته باشند، و خدا داناتر است.

۴ - در حدیث آمده است: (أن أهل جهنم يكتُمون عذاب النار حذراً من شماتة أهل الجنة). «اهل جهنم عذاب آتش را کتمان می‌دارند تا به شماتت بهشتیان دچار نشوند» قصص الانبیاء - الجزائری ۲۰۴

عذاب، بدین گونه درونی و پوشیده شده خواهد بود مگر کسی که خود باعث هتک حجاب از گناهانش شده بود، مانند حدیثی که از امام جعفر صادق علیه السلام آمده: «از جمله گناهایی که باعث هتک حجاب می شود شراب خواری است»<sup>(۱)</sup>.

هتک حجاب، خود سخت ترین عذاب است که شاید گرفتار به آن آرزوی فنا شدن کند. عذاب گران و دشواری است که نصوص دینی در تعریف آن، آتش را مثال می زنند، و خدا داناتر است.

امیر المؤمنین فرمود: ملازم صدق باشید که آن نجات بخش است، و آنچه نزد خدای عز وجل است را در نظر گیرید و طاعتش را بخواهید و بر آن صبور باشید، بر مؤمن چه زشت است که در بهشت بوده و هتک حجاب و رسوا باشد<sup>(۲)</sup>.

و در دعاها از آنها علیهم السلام آمده: «خداوندا ما را از دنیا خارج مکن مگر اینکه راضی از ما باشی»<sup>(۳)</sup> پس رضایت خداوند اول و آخرین سعادت است که بدون کسب آن، هرچند که بهشتی باشی احساس رستگاری نخواهی کرد. گویی؛ ناخوانده به یک میهمانی می روی و مانند دیگر مهمانان مورد استقبال قرار نمی گیری - هرچند که فقط مهمان دار از ناخوانده بودن مطلع است - در چنین مواقعی تناول عسل مزه زهر خواهد داشت و به ناچار باید این وضع را تحمل کنی.. پناه بر خدا از این گونه عذاب ها.

امام زین العابدین علیه السلام ضمن کسب رضایت خداوند مقادیری از حقایق را ر و شن می سازد و می فرماید:

- ۱ - (-الذنوب- التي تهتك الستر شرب الخمر..). الکافی ج ۲ ص ۴۴۸  
باری تعالی فرموده است: «لِنُدَيِّقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْأَخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ» «در دنیا عذاب خواری را به آنها بچشانیم. و عذاب آخرت خوارکننده تر است و کسی به یاریشان برنخیزد». فصلت ۱۶  
و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: (للمؤمن اثنان وسبعون سترا فإذا أذنب ذنبا انتهك عنه ستر، فان تاب رده الله إليه وسبعة معه). «مؤمن در پوشش هفتاد و دو پرده است و چون گناهی کند یک پرده دریده شود و اگر توبه کرد خداوند آن پرده را با هفت پرده دیگر به او باز گرداند». النوادر - للراوندى ۹۷
- ۲ - (الزموا الصدق فإنه منجاة وارغبوا فيما عند الله عز وجل واطلبوا طاعته و اصبروا عليها فما أقبح بالمؤمن أن يدخل الجنة وهو مهتوك الستر). عیون الحکم والمواعظ ۹۳
- ۳ - (اللهم لا تخرجنا من الدنيا حتى ترضى عنا) دعای توسل امام حسین علیه السلام

چون بهشتیان به بهشت درآیند و دوست خدا به بهشتها و مسکنهای خود درآید... آن گاه، خدای جبار بر آنان می نگرد و به آنان می گوید: ای دوستانم و اهل طاعتم و ساکنان بهشتم در جوار من، هان شما را از چیزی باخبر کنم که از آنچه که در آنید بهتر است؟

پس آنان می گویند: پروردگارا چه چیز از آنچه ما در آنیم، بهتر است، حال آن که ما در جایی هستیم که هرچه از نعمتها هوس کنیم و چشمانمان لذت ببرد، در جوار خدای کریم، فراهم است.

خداوند، پرسش خود را تکرار می کند و آنان می گویند: آری، به ما بهتر از آنچه در آن هستیم را بنما. پس خداوند تبارک و تعالی می گوید: خشنودی ام از شما و دوستی ام نسبت به شما، بهتر و بزرگ تر از چیزی است که در آنید.

پس می گویند: پروردگارا! آری، خشنودی ات از ما و دوستی ات نسبت به ما برای ما بهتر و شیرین تر است. آن گاه، امام سجّاد علیه السلام این آیه را تلاوت نمود: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». «خدا به مردان مؤمن و زنان مؤمن بهشتهایی را وعده داده است که جویها در آن جاری است، و بهشتیان همواره در آنجاوند و نیز خانههایی نیکو در بهشت جاوید. ولی خشنودی خدا از همه برتر است که پیروزی بزرگ، خشنودی خداوند است»<sup>(۱)</sup>.

---

۱ - (إذا صار أهل الجنة في الجنة و دخل ولي الله إلى جناته ومسأكنه.. ثم إن الجبار يشرف عليهم فيقول لهم: أوليائي وأهل طاعتي وسكان جنتي في جواري ألا هل أنبئكم بخير مما أتم فيه! فيقولون: ربنا وأي شيء خير مما نحن فيه [نحن] فيما اشتهدت أنفسنا ولذت أعيننا من النعم في جوار الكريم، قال: فيعود عليهم القول، فيقولون: ربنا نعم، فأتنا بخير مما نحن فيه، فيقول لهم تبارك وتعالى: رضاي عنكم ومحبتي لكم خير وأعظم مما أتم فيه، قال: فيقولون: نعم يا ربنا رضاك عنا ومحبتك لنا خير لنا وأطيب لأنفسنا، ثم قرأ علي بن الحسين عليه السلام هذه الآية «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». تفسير العياشي ج ۲ ص ۹۶ - ۹۷

## منابع

### کتاب آسمانی

[۱] قرآن کریم

### کتاب روایت و تفسیر

[۲] عقاید اسلام، تألیف؛ سید احمد الحسن علیه السلام؛ چاپ اول ۱۴۳۷ هـ ق «ترجمه‌ی انصار امام مهدی علیه السلام؛ ویراست اول»

[۳] لسان العرب، تألیف؛ ابن منظور الافريقي المصري، الناشر: نشر أدب الحوزة، تاریخ النشر: محرم ۱۴۰۵ هـ ق

[۴] متشابهات، تألیف؛ سید احمد الحسن علیه السلام؛ «ترجمه‌ی انصار امام مهدی علیه السلام؛ ویراست دوم» تاریخ انتشار

۱۳۹۵

[۵] در محضر بنده‌ی صالح، تألیف؛ سید احمد الحسن علیه السلام؛ «ترجمه‌ی انصار امام مهدی علیه السلام؛ ویراست دوم»

تاریخ انتشار ۱۳۹۴

[۶] رجعت، تألیف؛ سید احمد الحسن علیه السلام؛ «ترجمه‌ی انصار امام مهدی علیه السلام؛ ویراست دوم» تاریخ انتشار

۱۳۹۶

[۷] پاسخ‌های روشن‌گرانه، تألیف؛ سید احمد الحسن علیه السلام؛ «ترجمه‌ی انصار امام مهدی علیه السلام؛ ویراست دوم»

تاریخ انتشار ۱۳۹۴

[۸] بحار الأنوار، تألیف؛ العلامة المجلسي، الطبعة: الثالثة المصححة ۱۴۰۳ هـ ق، دار إحياء التراث العربي بيروت-

لبنان

[۹] الكافي، تألیف؛ محمد بن يعقوب الكليني، الناشر دار الكتب الاسلامية مرتضى آخوندي تهران

[۱۰] بصائر الدرجات، تألیف؛ محمد بن الحسن الصفار، تعليق: الحاج ميرزا حسن كوچه باغي، طبع في مطبعة

الأحمدي- طهران في سنة ۱۴۰۴ هـ ق

[۱۱] البرهان في تفسير القرآن، تألیف؛ السيد هاشم البحراني، الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ ق، مؤسسة البعثة- طهران

[۱۲] تفسير القمي، تألیف؛ علي بن إبراهيم القمي، تعليق: السيد طيب الموسوي الجزائري، مؤسسة دار الكتاب

للطباعة والنشر قم - إيران، الطبعة: الثالثة شهر صفر عام ۱۴۰۴ هـ ق

٢٢ ..... خدای رحيم مطلق چرا با آتش عذاب می کند؟

[١٣] تفسير العياشي، تأليف؛ محمد بن مسعود العياشي، المكتبة العلمية الاسلامية طهران

[١٤] كنز العمال، تأليف؛ المتقي الهندي، مؤسسة الرسالة - بيروت ١٤٠٩ هـ ق

[١٥] الدر المنثور، تأليف؛ جلال الدين السيوطي، دار الفكر بيروت لبنان

[١٦] كتاب الزهد، تأليف؛ حسين بن سعيد الكوفي الأهوازي، المطبعة العلمية بقم، بتاريخ ذي الحجة الحرام ١٣٩٩

هـ ق

[١٧] قصص الأنبياء، تأليف؛ السيد نعمة الله الجزائري، الطبعة الثانية ١٤٢٣ هـ ق ، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات

بيروت- لبنان

[١٨] عيون الحكم والمواعظ، تأليف؛ علي بن محمد الليثي الواسطي، الطبعة: الأولى، قم: دار الحديث، ١٣٧٦ هجري

شمسي

## منابع اينترنتی

[١٩] وبسایت رسمی انصار امام مهدی عليه السلام

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

[٢٠] صفحهی شخصی سيد احمد الحسن عليه السلام در فيسبوك

[www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313](http://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313)